

بیانیه جمعی از فعالان و مدافعان حقوق برابر

ما زنان و مادران این سرزمین، در برابر خشونت «پدران حکومتی» بر فرزندان مان خاموش نخواهیم ماند

امروز در سالگرد واقعه 18 تیر، شش تن از فعالان جنبش دانشجویی: بهاره هدایت (دبیر کمیسیون زنان دفتر تحکیم وحدت و فعال جنبش زنان) به همراه پنج تن دیگر از اعضای شورا مرکزی تحکیم (محمد هاشمی، علی نیکو نسبستی، مهدی عربشاهی، حنیف یزدانی و علی وفقی) که با استناد به اصل 27 قانون اساسی مبنی بر آزادی اجتماعات، در مقابل دانشگاه امیرکبیر (در خیابان ولیعصر)، کنار هم نشستند و پلاکاردهایی برای آزادی دوستان شان در دست داشتند، دستگیر و زندانی شدند. این شش فعال دانشجویی آنجا نشسته بودند تا بگویند چرا پس از گذشت 2 ماه از بازداشت 8 تن از دانشجویان دانشگاه امیرکبیر (عباس حکیم زاده، علی صابری، احمد قصابان، مقداد خلیل پور، مجید توکلی، پویان محمودیان، مجید شیخ پور، احسان منصوری) با نادیده گرفتن کلیه قوانین و ضوابط آیین دادرسی، از داشتن وکیل محروم هستند و 2 نفرشان هنوز از تماس یا ملاقات با خانواده خود محروم مانده و در انفرادی به سر می برند؟

صبح امروز این شش جوان عدالت خواه، مظلومانه نشستند تا خواهان آزادی هرچه سریعتر دوستان دانشجوی خود شوند. اما نه فقط تحصن کوچک و مسالمت آمیز و قانونی شان با خشونت و دستگیری آنها پایان داده شد بلکه چند ساعت بعد ناگهان به دفتر سازمان ادوار تحکیم وحدت نیز یورش برده اند و همه کسانی را که در آن دفتر حضور داشتند (عبدالله مومنی، بهرام فیاضی، مرتضی اصلاحچی، مجتبی بیات، عزت الله قلندری، حبیب حاج حیدری، مسعود حبیبی، سعید حسین نیا، آرش خاندل و اشکان غیاسوند) را بازداشت کرده اند. پیش از آن نیز برای برخی از فعالان دانشجویی دیگر که در جنبش زنان نیز فعال هستند، احکام سنگین و غیرقابل باوری صادر کرده اند. نمونه بسیار تاسف برانگیز آن، حکم سنگین دلارام علی است که در تجمع قانونی و مسالمت آمیز 22 خرداد میدان هفت تیر مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود و در دادگاه انقلاب به 2 سال و 10 ماه حبس قطعی و 10 ضربه شلاق محکوم شد یا آزاده فرقانی و بهاره هدایت، که صرفاً به اتهام شرکت در تجمع قانونی و مسالمت آمیز 22 خرداد، به 2 سال حبس تعلیقی محکوم شدند و امروز بهاره هدایت، به عنوان تنها دختر در میان جمع 16 جوان دستگیرشده دیگر، احتمالاً یکی و تنها در بخش زندان زنان زیر فشار روحی و روانی بیشتری قرار داد.

به راستی معلوم نیست بر سر قانون اساسی که حق تجمع و تحصن را با صراحت به رسمیت شناخته، چه آمده است، که این چنین حتا از تحصن مدنی شش نفر از فعالان دانشجویی که به تنهایی بر زمین سرد محیط متعلق به خودشان (یعنی دانشگاه) روی زمین نشسته اند نه تنها جلوگیری می شود بلکه آنان را زندانی می کنند و 10 نفر دیگر را لابد به جرم «تجمع در آپارتمانی کوچک» متعلق به خودشان (دفتر ادوار تحکیم) بازداشت می کنند؟

آن 8 نفر دانشجوی جوان دانشگاه پلی تکنیک و امروز این 16 جوان فعال در جنبش دانشجویی و نیز دختران جوان و مدافع حقوق برابر همچون بهاره هدایت، دلارام علی و... همگی فرزندان جنبش زنان هستند که امروز بدون هیچ ضابطه ای به زندان ها سپرده شده اند یا احکام سنگین دریافت کرده اند. ما زنان این مرز و بوم، این جوانان برومند را با خون جگر بزرگ کرده ایم و آنان را در جامعه ای مملو از اعتیاد رو به گسترش مواد مخدر، و جرم و خشونت رو به تزاید، سالم و آزادمنش بار آورده ایم، ما آنان را بزرگ کرده ایم تا با شور و ایمان لایزال شان به احقاق حق و آزادی، برای سرزمین شان خوشبختی و عدالت به ارمغان آورند، تا زندگی ساز شوند، تا ارزش

های زیبای برابری انسان ها را پاس بدارند، تا شعله های امید به فردای بهتر را زنده نگه دارند. پس چرا باید مورد ضرب و شتم قرار گیرند و زندانی شوند و از آموخته های انسانی مادران شان در «اعتراف نامه ها»، به «توبه» مجبور شوند ؟ شما ای «پدران حکومتی»، بدانید ما زنان و مادران این سرزمین، این جوانان را با وجود هزاران تنش و خشونت که در جامعه ایجاد کرده اید، با تحمل سختی ها و دشواری ها بزرگ کرده ایم و به آنان آموخته ایم که هرآن چه خوبی و زیبایی و رفاه و خوشبختی را برای خود می خواهند با بقیه مردم هموطن شان تقسیم کنند. این موج خشونت که امروز راه انداخته اید، خواهی نخواهی مادران این مملکت را در برابر خودتان قرار داده اید.

ما زنان همواره در زندگی خود صبور بوده ایم و هزاران سختی را تحمل کرده ایم تا زندگی بهتری برای فرزندان مان بسازیم، اما بدانید اگر پای زندگی فرزندان مان به میان آید، «صبر» و «خاموشی» را فراموش خواهیم کرد. چرا که امروز احساس می کنیم وظیفه مادرانه همه ماست که فرزندان مان را از خشونت و تحمل مجازات های غیرمنصفانه و غیرقانونی، حفظ کنیم و البته می دانیم هیچ سلاحی نداریم به جز عشق به آینده فرزندان مان، از این رو با چنگ و دندان هم که شده آن را پاس خواهیم داشت. همچون وقتی که در خانواده سینه سپر می کنیم و جگر گوشه هایمان را از شر و خشونت برخی «پدران» کم تحمل شان حفظ می کنیم، امروز نیز در برابر این موج خشونت، سینه مادرانه خود را سپر خواهیم کرد و تا آزادی فرزندان مان از پای نخواهیم نشست.